

د خالت مطبوعات در امر

قضاوت مجاکمه «ارد هوو» در انگلستان

در شماره اخیر مجله کانون وکلاء (شماره ۱۶ و ۱۷) که با هم چاپ شده است) مقاله جالب توجهی بقلم همکار محترم آقای اسمعیل دهلوی (بطور اقتباس از مجله «امویکن» و کوری نیویورک) زیر عنوان « چگونه مطبوعات اجرای عدالت را سد میکنند» درج شده بود که مطالعه آن نگارنده را تحریک نمود که از لحاظ اهمیت فوق العاده این قضیه، بحث در اطراف آنرا در این مقاله تعقیب نمایم.

کراراً اتفاق افتاده است که یک قضیه قابل توجهی در دادگاههای عمومی طرح شده است که بجهت مختلف مورد توجه عامه بوده، و بهمان مناسبت روزنامه‌ها بعقیده و سلیقه خود در اطراف آن قلم فرسائی و اظهار نظر نموده و حتی در بعضی موارد به تصمیمات و آراء دادگاهها هم اعتراض نموده اند درحالیکه این مداخلات در امر دادرسی و تأثیری که انتشار آنها در عمل قضاوت و اجرای عدالت دارد ممکن است بعضی اوقات منتهی بصدور احکامی بشود که مخالف حق و عدالت بوده و بر ضرر طرف ذیحق تمام بشود و همانطور که در مقاله بالا ذکر شده بود «هر گاه فرض شود که در هر مجادله احتمالاً یک حکایت قابل نمایش و یا درامی وجود داشته باشد متأسفانه ثابت شده است که در جدال بین مطبوعات و دادگاهها همیشه این نمایش و درام از نوع تراژدی است و چون نتیجه و انتهای درامهای تراژدی غم‌انگیز و ملالت آور است طبعاً جدال مطبوعات و دادگاهها نیز با نتایج تاجر آوری اغلب بضرر عدالت خاتمه مییابد»

موضوع مهم و دقیقی که در مقاله مزبور (اقتباس از مجله امریکائی) مورد بحث واقع شده بود این است که اگر مطبوعات را در اظهار نظر و دخالت در امر قضاوت مجاز بدانیم بضرر استقلال دادگستری و اجرای عدالت واقعی تمام میشود، و اگر مطبوعات را در این قسمت مجاز ندانسته و آزادی آنها را محدود نسائیم با محدود شدن آزادی مطبوعات که از مهم ترین ارکان حکومت قانون و دموکراسی است لطمه‌ای بزرگ به آزادی جامعه وارد ساخته ایم.

و همانطور که در آنفاله اظهار شده بود آزادی مطبوعات و استقلال دادگستری دو رکن مهم از ارکان دموکراسی بشمار میروند که معنا وجود آنها ملازم با یکدیگر بوده و نقصان هر یک موجب تزلزل اساس و پایه دموکراسی خواهد بود .

...

پس بچه نحو بایستی آزادی هر یک از این دو رکن بزرگ و مهم حکومت دموکراسی را که ممکن است در بعضی موارد با هم اصطکاک پیدا کنند حفظ نمایم که هم استقلال دستگاه قضائی کاملاً محفوظ مانده و در عین حال آزادی مطبوعات هم رعایت شود ؟

این از مهم ترین مسائلی است که باید با کمال وقت به آن پاسخ داد نویسنده مقاله اصلی (در مجله « امریکن مرکوری نیویورک ») که خود از قضاة عالی مقام امریکائی است در این قسمت (یعنی قلم فرسائی و دخالت مطبوعات در کار قضاوت) بین رویه معمول در امریکا و در انگلستان مقایسه نموده و با ذکر دو نمونه که یکی در امریکا و دیگری در انگلستان واقع شده اختلاف بین این دو رویه را روشن ساخته است که از مطالعه آن معلوم میشود آزادی مطبوعات در امریکا مخصوصاً در این قسمت بیشتر از انگلستان است .

نکته قابل توجه این است که نویسنده امریکائی مذکور با ذکر نمونه رویه معمولی در کشور انگلستان بطور ضمنی اظهار عقیده نموده است که با اینکه مطبوعات بایستی آزادی کامل در اظهار عقیده داشته باشند در آن قسمت که دخالت در امر قضاوت محسوب میشود ، بایستی از اظهار عقیده و دخالت و درج مطالبی که مخالف اصول قضاوت میباشد خود داری نموده و استقلال دستگاه قضائی را که آزادی آنها را تأمین می نماید رعایت نمایند و بعبارت دیگر رویه معمول در انگلستان را از لحاظ حفظ آزادی جامعه بهتر دانسته است .

این جانب هم با اینکه خود (بعنوان مدیر روزنامه «ملت ایران») در صف روزنامه نگاران قرار گرفته و قاعدتاً بایستی طرفدار آزادی مطلق مطبوعات باشم ولی در مقابل دستگاه قضائی و حفظ استقلال و احترام کامل این دستگاه و اهمیت فوق العاده که موضوع استقلال دادگستری در حفظ آزادی جامعه دارد با نویسنده امریکائی نامبرده در این قسمت هم عقیده هستم .

اینک يك نمونه بر جسته را که بهترین معرف استقلال تام و تمام دستگاه

قضای انگلستان میباشد که عموم اهالی آن آشور مجبورند در مقابل آن دستگاه سر تمظیم فرود آورده و تمام تصدیقات آنرا بدون چون و چرا و بدون حق دخالت یا اظهار عقیده قبلی بوقوع اجراء بگذارند در اینجا نقل مینمایم .

...

در طول مدت جنگ عمومی دوم اشخاصیکه بزبان انگلیسی آشنا بوده و در ساعت هشت و نیم بوقت تهران به رادیوی برلن گوش میدادند صدای شخصی را میشنیدند که بنام لرد هوو بزبان انگلیسی صحبت میکرد .

نام حقیقی این شخص «ویلیام جویس» و از اتباع انگلیس بود که از طرف وزارت تبلیغات دولت آلمان استخدام شده بود که هر شب در رادیو ضمن تفسیر اخبار جنگی تبلیغاتی بر علیه زمامداران دولت انگلستان و سیاست آن دولت نموده و هموطنان خود را به مخالفت با دولت و سیاست جنگی آن ترغیب و آنها را بطرفداری آلمان حاضر و مستعد سازد، بعبارت دیگر برفع دولت آلمان و بر علیه انگلستان که وطن خود او بود نطقهای تبلیغاتی ایراد نماید .

این شخص این «وظیفه» را که بر عهده داشت تا اواخر جنگ انجام میداد یعنی برفع یکدولت بیگانه و بر ضرر مصالح وطن خود که با آن دولت بیگانه در حال جنگ بود ایراد نطقهای تبلیغاتی اشتغال داشت واضح است که انگلیسها که در انگلستان صدای این شخص را در رادیوی شنیدند او را خائن بوطن دانسته و ابراز تنفر و انزجار نسبت باو مینمودند و حق هم داشتند. زیرا البته ممکن است که یک شخص نسبت بسیاست دولت و زمامداران کشور خود مخالف و متعترض بوده و انتقادات یا شکایاتی داشته باشد و در مقام اعتراض و انتقاد بوسیله جراید و مطبوعات یا رادیو و وسایل دیگر برآمد و چه بسا که در اعتراضات خود هم ذبحق باشد ولی اگر شخصی بدستور و برفع یک دولت بیگانه بر علیه مصالح کشور خود تبلیغات یا اقدامات زبان آور دیگری بنماید بدون تردید بوطن خود خیانت کرده است و این همان عملی بوده که ویلیام جویس که در رادیو برلن بنام لرد هوو خوانده میشد بارتکاب آن مشغول بود .

بهر حال جنگ برفع متفقین و بشکست آلمان در شرف اختتام و شهرهای آلمان یکی پس از دیگری بتصرف قوای امریکا و روسیه در می آمد — بعد از تسلیم ارتش آلمان دستگیری عده از «مقصرین» جنگی از طرف قوای متفقین ویلیام جویس که در شهر هامبورگ در محلی مخفی شده بود بالاخره از طرف مامورین

پلیس نظامی انگلیس دستگیر و با طیاره بلندن اعزام شد تا بجرم خیانت بوطن تحت تعقیب قرار گیرد .

تا اینجا مقدمه بود که ذکر آن برای اخذ نتیجه از این مقاله ضرورت داشت .

اینک ویلیام جویس از هامبورگ بلندن را ال داده شده و بامورین صلاحیت دار تحویل و خبر آن در رادیو و جراید منتشر گردید در اولین سؤال و بازپرسی که از ویلیام جویس شد در مورد ملیت خود که تبعه کدام مملکت است (که معمولا سؤال میشود) او منکر تبعیت و ملیت انگلیس شده و گفت مادر من ایرلندی است و خودم هم متولد شده در امریکا بوده و بنا بر این از اتباع کشور انگلستان نیستم . متصودش این بود که بگوید اگر من در آلمان بر علیه دولت انگلستان تبلیغاتی نموده و در رادیو صحبت‌هایی کرده‌ام چون تبعه انگلستان نبوده و نیستم دولت انگلیس قانونا نمی‌تواند مطابق قوانین داخلی خود من را بعنوان شخصی که بر علیه وطن خود تبلیغاتی نموده مجرم دانسته و تعقیب نماید نظر باینکه این اظهار و ادعای ویلیام جویس اگر واقعا صحیح بوده و ثابت میشد البته جریان محاکمه این شخص بکلی صورت دیگری پیدا میکرد بدین جهت این موضوع در بعضی از جراید لندن در آن موقع مورد بحث واقع شده بود ولی دستگاه قضائی راجع باین موضوع بطور کلی بکار خود مشغول بود . چون انگلیسها که چندین سال در طول مدت جنگ صدای این شخص را که از رادیو بران بر علیه انگلستان و بنفع دولت آلمان صحبت میکرد شنیده بودند پس از دستگیری او راجع بجریان دادرسی و تعیین مجازات قانونی او ابراز علاقه مینمودند یک روز مخبر یکی از روزنامه های بزرگ لندن ضمن مصاحبه با وزیر دادگستری پرسید نوع جرمی که بوویلیام جویس نسبت داده شده از جنبه قانونی چیست و عمل او مشمول چه قانونی است؟

جوایی که وزیر دادگستری در مقابل آن پرسش بخبر روزنامه داد بسیار مختصر ولی باندازه مهم و پر از معنی بود که از لحاظ قضاوت دادگستری شایان کمال اهمیت میباشد .

جوایی که وزیر دادین بود .

» چون این شخص اخیرا بقامات قضائی تحویل داده شده و موضوع تحت

رسیدگی دادگاه میباشد هر نوع اظهار عقیده که در این باره از طرف اشخاص خارج

بشود یک نوع اهانتی بدادگاه محسوب میشود بدین جهت از دادن جواب باین سؤال

معنی این جواب این است که محاکم و دستگاه قضایی باندازه قابل احترام و بدرجه در وظائف خود مستقل میباشند که هیچ شخص و مقام دیگری نباید و نمیتواند در امور مربوط بآنها دخالت نماید . معنی این جواب این است که قضات باندازه در کار خود از لحاظ تشخیص موضوع دعاوی اقامه شده و تطبیق با قوانین و موازین عدالت و اصول قضایی بصیرو مطیع میباشند که اشخاص خارج نسی توانند راجع بوظائف و مشخصات آنها اظهار نظر نمایند .

چون این موضوع يك بحث بسیار مهم و طولانی است که از گنجایش این مقاله خارج میباشد ناچار دنباله آنرا بزمان دیگر موکول مینمایم .

اخبار کانون و کلا

شماره ۳۴۶۸

تاریخ ۱۳۲۹ر۸ر۲۸

جناب آقای وزیر دادگستری

باستحضار خاطر شریف میرساند : بطوریکه خاطر محترم مسبوق است هر يك از وکلاء دادگستری سالی سه بار موظف است ارجاعات حقوقی شعبه معاضدت قضایی کانون و کلا را انجام دهد از آن طرف محاکم کیفری هم در موارد مخصوصی اختیار انتخاب وکلاء مدافع را برای متهمین خاصی دارندگان وکلا مقتضی میدانند جنابمالی را مسبوق نماید که چون عده متهمین کیفری در سنوات اخیر رو بتزاید رفته و محاکمات تسخیری کیفری بدرجه رسیده که باوضع فعلی بیشتر از کارهای حقوقی و کیفری عده از وکلاست کانون و کلا لازم میدانند در اینمورد تجدید نظر بعمل آید چه مسلماً آنچه که فعلاً عمل میشود مورد نظر